

حسن نیت در انعقاد قرارداد در حقوق انگلیس و ایران

فخرالدین اصغری آقمشهدی،* حمیدرضا ابوئی^۲

۱. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران

۲. کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه مازندران

(تاریخ دریافت: ۸۵/۹/۲۰؛ تاریخ تصویب: ۸۶/۱/۳۰)

چکیده

امروزه حسن نیت به عنوان یکی از اصول اخلاقی، در حقوق قراردادها جایگاهی بس شگرف یافته است، به گونه‌ای که در برخی از نظام‌های حقوقی، به عنوان یک قاعده لازم‌الرعایه در مراحل انعقاد، اجرا و تفسیر قرارداد شناخته می‌شود. قریب به اتفاق کشورهای دارای حقوق نوشته، در این گروه جای می‌گیرند. مقاله حاضر صرفاً جایگاه حسن نیت را در مرحله انعقاد قرارداد مورد بررسی قرار می‌دهد؛ مرحله‌ای که از مذاکرات مقدماتی آغاز می‌شود و غالباً تا مرحله الحاق قبول به ایجاب ادامه می‌یابد. با بررسی سیستم‌های حقوقی ایران و انگلیس درمی‌یابیم که رعایت حسن نیت در هیچ یک از این دو نظام حقوقی، جز در موارد استثنایی، در مرحله انعقاد قرارداد به عنوان یک قاعده کلی مورد پذیرش قرار نگرفته است.

واژگان کلیدی:

حسن نیت، معامله منصفانه، انعقاد قرارداد، تدلیس، اکراه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مقدمه

انسان‌ها در روابط اجتماعی و برای رفع حواجی خویش، ناگزیرند قراردادهای متفاوت منعقد کنند و در این راستا به داد و ستد و معاملات سودآور پردازند. اصولاً، در عالم واقع، هرکس در پی کسب منفعت است و به منافع و مصالح دیگران عنایتی ندارد. قاعده رایج نیز همین است و در قراردادهای به اصطلاح «مغایبه» که هدف عمده، تحصیل سود و کسب منفعت است، خرده‌گیری بر مقاصد و نیت اشخاص، امری نامتعارف و دور از عرف غالب است. با این وصف، از آن جا که متعاقبین در معاملات منعقد در اعمال یک‌جانبه و فرصت‌طلبانه اختیار گسترده‌ای ندارند، باید منافع دیگری را مورد نظر قرار دهند. به بیان دیگر، هریک از متعاملین باید با حسن نیت، رفتار منصفانه‌ای از خود بروز دهند.

حسن نیت با معنایی مثبت و مقبول، همواره یک قاعده اخلاقی نیکو محسوب می‌شود تا بدان جا که اولیای الهی پیروان خود را در همه حال به رعایت این منش پسندیده سفارش کرده‌اند. قصد اضرار به غیر، سوءاستفاده از فرصت‌ها و فریب دیگران که مورد نهی برگزیدگان پروردگار است، نمونه‌هایی از لزوم رعایت حسن نیت و اجتناب از سوءنیت و رفتار متقلبانه است.

امروزه عوام و خواص بر سر این مطلب اجماع دارند که حسن نیت یک ارزش اخلاقی نیکو و لازم‌الرعايه است. با این حال، در این زمینه که عرصه حقوق و قواعد موضوعه نیز اصلی تحت عنوان حسن نیت را در روابط قراردادی لازم بدانند، تردید و تشتت رأی وجود دارد. قصد نگارندگان این مقاله آن است که ضمن تعریف جامع این مفهوم، با استفاده از مبانی تاریخی اصل در حقوق ایران و انگلیس، جایگاه آن را در حقوق موضوعه این نظام‌ها تشریح کنند. بنابراین، پس از تعریف مفهوم حسن نیت، به بررسی نقش آن در مرحله انعقاد قرارداد در حقوق ایران و انگلیس می‌پردازند.

پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مفهوم حسن نیت

حسن نیت در مقابل سوء نیت، مفهومی است اساساً اخلاقی که امروزه رنگ حقوقی نیز به خود گرفته است. این اصطلاح که در لغت به معنی قصد و نیت نیکوست (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۶)، به عنوان روح تجارب حقوقی و اجتماعی تلقی شده است و به صورت تنگاتنگ به اجرای انصاف همت می‌گمارد. این مفهوم با واژه‌هایی مانند انصاف، رفتار متناسب با وجدان، شایستگی، روح همبستگی و تعاون و صداقت نسبت به واقع همراه بوده و در صفاتی چون وفاداری، اخلاص و اجتناب از خدعه و خیانت که از خصلت‌های نیک انسانی است، متجلی می‌شود.

اصطلاح حسن نیت در جهان حقوق طرفداران و مخالفانی داشته است. این اختلاف نظر را در جریان تدوین کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (وین، ۱۹۸۰) نیز می‌توان مشاهده کرد. نمایندگان کشورهای نظیر فرانسه و آلمان اصرار داشتند که رعایت اصل حسن نیت به عنوان یک قاعده کلی در کنوانسیون گنجانده شود. در مقابل، نمایندگان برخی کشورها از جمله کشورهای گروه کامن لا با بیان این‌که حسن نیت، مفهومی مبهم، انتزاعی و اخلاقی است که نباید وارد قلمرو حقوق شود و تکلیف حقوقی برای اشخاص ایجاد کند، با آن مخالفت کردند. بر اثر بروز این اختلافات، به موجب ماده ۷ کنوانسیون، اصل حسن نیت تنها در خصوص تفسیر قرارداد پذیرفته شد، نه در مرحله انعقاد و اجرای قرارداد (هانولد، ۱۹۹۱، ص ۱۲۳).

تعریف‌های زیادی برای حسن نیت ذکر شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. یکی از مؤلفین حقوقی، حسن نیت را یک حالت درونی مبتنی بر قصد و نیت شخص دانسته که دارای دو جنبه ایجابی و سلبی است: از جنبه ایجابی، به معنی قصد و باور درست و پسندیده و از جنبه سلبی، به مفهوم خودداری از حيله، اغفال، کتمان واقعیت و پرهیز از تحصیل هرگونه امتیاز نامعقول از دیگری است (بلاک، ۱۹۸۸، ص ۶۹۳).

۲. محاکم ایالات متحده نیز در مقام تبیین حسن نیت، غالباً این مفهوم را در نظر دارند که حسن نیت یکی از اصول بنیادین حقوق قرارداد و فاقد هرگونه مفهوم کلی است که اشکال مختلف سوء نیت را محدود می‌کند و از سوء استفاده طرفین قراردادی نسبت به فرصت‌ها و امتیازات مورد اغماض، ممانعت به عمل می‌آورد (فرنسورد، بی تا، ص ۵۵).

۳- حسن نیت عبارت است از: پای‌بندی طرفین قرارداد (قبل و بعد از انعقاد آن) به رابطه امانی و مبتنی بر اعتماد متقابل و اقدام معقول ایشان در عدم نقض آن رابطه (ماده ۲۴۳ قانون مدنی آلمان).

۴- حسن نیت عبارت است از: صداقت در گفتار یا کردار مورد نظر در قرارداد، فقدان قصد اضرار و رفتار بر اساس معیارهای معقول عرفی و شناخته شده و وسیله‌ای برای ادخال قواعد اخلاقی در حقوق موضوعه از سوی قانون‌گذاران و قضات (پاورز، بی‌تا، ص ۳۳۸).

۵- به نظر مجلس اعیان انگلستان، حسن نیت عبارت است از: رفتار منصفانه، آشکار و بدون هرگونه پنهان‌کاری (تریبل، ۲۰۰۳، ص ۲۷۳).

۶- یکی از مؤلفین حقوقی ایران در معنی حسن نیت می‌نویسد: «وضع فکری کسی که به عمل حقوقی یا مادی (که منشأ اثر حقوقی است) از روی اشتباه اقدام می‌کند و تصور دارد که عمل او وفق قانون است و حال این‌که موافق قانون نیست» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ص ۱۴).
با ملاحظه تعاریف یادشده، حسن نیت را می‌توان چنین تعریف کرد: حسن نیت عبارت است از وجود صداقت و اخلاص در انعقاد یا اجرای قرارداد و ناآگاهی از موضوعاتی که شخص را در مظان اتهام قرار می‌دهد. به بیان دیگر، اعتقاد درونی فرد به صحت عمل حقوقی خویش.

حسن نیت در انعقاد قرارداد در حقوق انگلیس

با توجه به تعریفی که از حسن نیت در مبحث قبلی ذکر شد، حسن نیت در مرحله انعقاد قرارداد عبارت است از: «رعایت رفتار منصفانه و صادقانه طرفین در مراحل مقدماتی مذاکرات و انعقاد قرارداد و عدم علم به موضوعاتی که شایبه داشتن سوء نیت را به ذهن متبادر می‌کند».

همان‌طور که از تعریف فوق برمی‌آید، رعایت حسن نیت در مرحله انعقاد قرارداد برابر با نداشتن قصد خدعه و فریب‌کاری است و این خصوصیت، اعمال خلاف وجدان و انصاف را ممنوع می‌شمارد. رعایت حسن نیت در این مرحله متضمن اجتناب از تدلیس، سوء استفاده از حق، اکراه، اعمال نفوذ ناروا و مغبون کردن طرف است که هر شخص ضمن تعقیب منافع خویش، آن را در نظر می‌گیرد.

در حقوق انگلیس، تا به امروز، هیچ قاعده کلی که طرفین قرارداد را به رعایت حسن نیت ملزم سازد، وجود ندارد و به عبارتی، در کامن لای انگلیس، حسن نیت به عنوان یک اصل حقوقی کلی به رسمیت شناخته نشده است (زیمرمن، ۲۰۰۳، ص ۳۹). از این رو، بسیاری از

نویسندگان حقوق انگلیس در آثار خویش به حسن نیت در تاریخچه کامن لای آن کشور هیچ اشاره‌ای نمی‌کنند و به استثنای سخنرانی رافائل پاول در سال ۱۹۵۶، قاعده حسن نیت در هیچ یک از کتاب‌های حقوقی، سخنرانی‌ها، دفاعیات محاکم و آرای قضایی مشهود نیست (براونسورث، ۱۹۹۹، ص ۱۳).

از اواخر دهه ۱۹۸۰ به بعد، این وضعیت به طور قابل ملاحظه‌ای دچار تغییر شد. در ابتدا با آرای قاضی استین در دعوی بنکوفانیس ولرد بینگهام در پرونده ایتترفوتو و سپس در دستورالعمل‌های جامعه اروپا درباره نمایندگان تجاری و شروط غیرمنصفانه در قراردادها، موضوع حسن نیت از موقعیت اجمالی و مبهم خویش خارج گردید (همان، ص ۱۶ و ویلت، ۱۹۹۶، ص ۲۵).

با این حال، حقوق‌دانان انگلیسی پس از آشنایی با این مفهوم، در لزوم پذیرش این اصطلاح به عنوان یک اصل کلی حقوقی مدت‌ها اختلاف و مناقشه داشته‌اند، به گونه‌ای که اکثر حقوق‌دانان نسبت به آن نگرش منفی دارند و برخی موافق آن هستند که به اختصار آن‌ها را بیان می‌کنیم:

دیدگاه منفی در پذیرش اصل حسن نیت

به طور سنتی، حقوق‌دانان انگلیس، در پذیرش نظریه کلی از حسن نیت در قراردادها اظهار نظر نکرده‌اند و هرگاه عقیده‌ای در این زمینه ابراز شده است، غالباً به در پیش گرفتن دیدگاه منفی تمایل داشته‌اند (براونسورث، بی تا، ص ۱۶). طرفداران این ایده به دلایلی که در پی می‌آید، به عدم لزوم اصل حسن نیت در سیستم حقوقی انگلستان معتقد هستند:

اول - حسن نیت یک مفهوم مبهم است که محدودیت‌هایی نامشخص و بی‌ضابطه را بر حقوق قراردادها تحمیل می‌کند (همان)؛ یعنی تا زمانی که یک نظریه از حسن نیت، مجموعه‌ای از محدودیت‌ها را در تعقیب منافع شخصی اعلام می‌کند، این ایراد وجود دارد که حدود و ضوابط حاکم بر این قیود چیست و تا کجاست؟ به عبارت دیگر، حسن نیت مستلزم برخی معیارهای اخلاقی است که متعاقبین به وسیله آن‌ها مورد داوری قرار می‌گیرند، ولی معلوم نیست کدام اصول اخلاقی مورد نظر است.

دوم - پذیرش و اجرای اصل حسن نیت مستلزم تحقیقات شاق از دلایل و انگیزه‌های خاص طرفین قرارداد است. انگیزه‌ها در برخی موارد به سختی قابل شناسایی هستند، به گونه‌ای که کشف دلایل واقعی یک طرف ممکن است مشکلات و مسائل گوناگونی را ایجاد کند

(بورتون، ۱۹۸۱، ص ۳۶۹).

سوم - اصل کلی حسن نیت بدون توجه به نوع و مفاد قراردادها به طور یکسان بر آنها حکومت می‌کند؛ به این معنا که حسن نیت در معاملات ذاتا رقابتی و متضمن رفتار فرصت-طلبانه بر طرفین قرارداد تحمیل می‌شود و این، خود، خلاف انصاف است (براونسورث، بی‌تا، ص ۱۸).

گفتنی است مخالفان اصل حسن نیت معتقدند حقوق انگلیس در حل مسائلی که در کشورهای دیگر توسط اصل یادشده صورت می‌پذیرد، دارای شماری از قواعد عینی و ملموس است. بنابراین، در این سیستم حقوقی به قاعده نامأنوس حسن نیت نیازی نیست (همان).

دیدگاه مثبت در پذیرش اصل حسن نیت

برخی مؤلفین حقوقی انگلیس که سردمدار آنها «رافائل پاول» است، پذیرش اصل حسن نیت را مفید و مؤثر می‌دانند و معتقدند این امر محاکم انگلیسی را قادر می‌سازد تا از توسل به ترفندها و پیچ و خم‌ها جهت اثر بخشیدن به معنای عادلانه در هر مورد خاص خودداری کنند (پاول، ۱۹۵۶، ۱۶-۲۶). به نظر پاول، پذیرش حسن نیت در برخی مواقع بسیار قدرتمندتر و مؤثرتر از ابزارهای سنتی انگلیسی در نیل به انصاف و عدالت قراردادی است.

به نظر پیروان او نیز بدون وجود قاعده حسن نیت، حقوق قراردادها در تحصیل یافته‌ها و نتایج منصفانه توانمند نیست و به درستی نمی‌تواند به اجرای عدالت و انصاف همت گمارد (براونسورث، بی‌تا، ص ۲۶).

با وجود نگرش مثبت برخی مؤلفین حقوقی برای پذیرش اصل حسن نیت، دیدگاه منفی همچنان بر گستره قراردادها حکومت داشته و مانع از ایجاد این اصل شده است. البته از برخی مقررات استنباط می‌شود که اصل مزبور در موارد خاصی مورد پذیرش قرار گرفته است که اکنون به آنها اشاره می‌کنیم:

مصادیق پذیرش حسن نیت در انعقاد قرارداد

در قواعد کامن‌لا، انصاف و مقررات موضوعه، اثر پذیرش حسن نیت در انعقاد قرارداد را می‌توان مشاهده کرد که برمی‌شماریم:

پذیرش حسن نیت در انعقاد قرارداد در کامن لا

لزوم اعلام رجوع از ایجاب به مخاطب آن

قاعده کلی این است: تا وقتی قبول محقق نشد، موجب می‌تواند از ایجاب خود رجوع کند. این رجوع زمانی اثر قانونی خواهد داشت و مانع از انعقاد قرارداد می‌شود که به اطلاع مخاطب ایجاب برسد. این موضوع در دعوی بایرن علیه وانتین هون به سال ۱۸۸۰ به وضوح آشکار است. دادگاه مقرر داشت: «رجوع موقعی مؤثر است که قبل از قبول به مخاطب ایجاب ابلاغ شده باشد. این حقیقت که نامه رجوع، پست شده یا این که در راه بوده است، فاقد اهمیت است» (پاد فیلد، ۲۰۰۱، ص ۸۶).

با این که رجوع از ایجاب پیش از قبول، حق موجب است و طبق قاعده کلی، او می‌تواند از ایجاب خویش عدول کند؛ نظم در روابط معاملاتی و حمایت از حسن نیت اشخاص اقتضا دارد رجوع از آن به اطلاع مخاطب ایجاب برسد (چشایر و فیفوت، ۱۹۹۱، ص ۵۷ و تریتل، ۲۰۰۳، ص ۴۱).

مرگ موجب

مرگ موجب پیش از قبول، مانع انعقاد قرارداد است و تکلیفی برای وارثان او نسبت به ادامه قرارداد وجود ندارد. برخی از نویسندگان حقوقی انگلیس بین اطلاع مخاطب، ایجاب از مرگ موجب و جهل به آن تفاوت گذارده‌اند. در مورد اول، مطابق قاعده، قبول اعلام شده به قائم مقام موجب را مؤثر نمی‌دانند، ولی در مورد دوم، به حمایت از مخاطب ایجاب اعتقاد دارند و در صورت اعلام قبول، معامله را منعقدشده به شمار می‌آورند، مگر در موردی که شخصیت موجب در ایفای تعهد مؤثر باشد که با فوت وی ایجاب از بین می‌رود و جهل به آن نیز در انعقاد قرارداد اثر ندارد (چشایر و فیفوت، ص ۶۳ و تریتل، ۲۰۰۳، ص ۴۴).

اشتباه

اشتباه عبارت است از: «داشتن تصور و پنداری خلاف واقع» که حسب مورد، ممکن است مؤثر یا غیر مؤثر باشد. اشتباه مؤثر به دلیل عدم رضا و توافق مشترک از ضمانت اجرایی بطلان برخوردار است (تریتل، ۲۰۰۳، ص ۲۸۶). ظاهراً نویسندگان انگلیس، بطلان قرارداد را که نوعی حمایت از شخص مشتبّه است، صورتی از حسن نیت می‌دانند، ولی باید گفت حسن نیت به معنایی که در ابتدای این مقاله آمد، در نمای کلی، اشتباه نامحسوس و ناملموس است؛ چرا که

مبنای تأثیر اشتباه و به تبع، حمایت از مشتبه، عدم رضای وی به واقع بوده است، نه حسن نیت. با وجود این، رد پای حسن نیت در این قاعده می‌توان یافت که مقرر می‌دارد: «اشتباه مؤثر یک طرف موقعی دارای ضمانت اجراست که دیگری از آن آگاه باشد» (همان، ص ۳۰۷). به بیان دیگر، هرگاه طرف دیگر، از اشتباه شخص، مطلع نباشد و با حسن نیت قرارداد را منعقد کرده باشد، بطلان عقد را نمی‌توان بر وی تحمیل کرد.

این قاعده به ویژه در بحث اشتباه نسبت به هویت مطرح می‌شود، به گونه‌ای که می‌توان گفت اشتباه در هویت، زمانی قرارداد را باطل می‌سازد که علاوه بر اهمیت هویت طرف عقد، ثابت شود وی از اراده مشتبه و این‌که او شخص موردنظر طرف مقابل نیست، آگاه بوده است. مثال بارز این مورد را در دعاوی کندی علیه لیندسی اندکو (۱۸۷۸) و لويس علیه اورى (۱۹۷۱) می‌توان دید (پادفیلد، ۲۰۰۱، ص ۲۶۹).

تدلیس

تدلیس عبارت است از: اظهار و بیانی که از سوی یک طرف به دیگری قبل از انعقاد قرارداد یا مقارن با آن درباره حقیقت موجود یا واقعه گذشته‌ای صورت پذیرد که در قرارداد دارای اهمیت است (چشایر و فیفوت، ۱۹۹۱، ص ۲۶۹).

تدلیس در حقوق انگلیس بر سه قسم است: متقلبانه، غیر عمدی و مسامحه‌کارانه که حسن نیت در هر کدام از این اقسام، جایگاهی ویژه دارد. مجلس لردها، تدلیس متقلبانه را طرح اظهار نادرست با علم یا بدون اعتقاد به صحت آن یا بدون توجه به این‌که آن اظهار صحیح است یا خیر؛ تلقی کرده است (تریئل، ۲۰۰۳، ص ۳۲۴). از این رو، در تدلیس یادشده، از یک سو، عدم صداقت و سوء نیت تدلیس‌کننده و از سوی دیگر، حسن نیت تدلیس‌شونده ملاحظه می‌شود. به همین دلیل، در ضمانت اجرای این نوع از تدلیس علاوه بر راه‌های مشترک با انواع دیگر تدلیس، اقامه دعوی کیفری و اطلاع به پلیس دیده می‌شود.

در تدلیس غیر عمدی و مسامحه‌کارانه، تدلیس‌کننده بدون داشتن سوء نیت و به سهو یا مسامحه، اظهاراتی خلاف واقع مطرح می‌سازد که مورد اتکای طرف دیگر قرار می‌گیرد (پادفیلد، ۲۰۰۱، ص ۱۴۳). بنابراین، تدلیس‌کننده را در این فروض به عدم رعایت حسن نیت و رفتار منصفانه می‌توان متهم کرد. حتی تا قبل از سال ۱۹۶۷، هرگاه اثبات می‌شد که قراردادی در نتیجه تدلیس غیر عمدی انعقاد یافته است، زیان‌دیده نمی‌توانست ادعای خسارت کند، اما در وضع فعلی، با وجود قانون تدلیس مصوب ۱۹۶۷، طرف قرارداد علاوه بر فسخ یا تنفیذ قرارداد،

حق مطالبه خسارات را دارد. به این ترتیب، می‌توان گفت پیش از تصویب قانون تدلیس، رویه قضایی، حسن نیت مدکس را مانع از مطالبه خسارت به توسط تدلیس‌شونده می‌دانست، ولی قانون اخیر با بی‌اعتنایی به این مفهوم و صرفاً در جهت حمایت از شخص فریب‌خورده، وی را مستحق مطالبه خسارت نیز دانسته است.

حسن نیت و رفتار متناسب با وجدان در فرض دیگری نیز مشهود است و آن زمانی است که اظهارات شخص هنگام وقوع آن، درست است، ولی متعاقباً قبل از این‌که طرف مقابل به انعقاد قرارداد مبادرت کند، نادرست می‌شود (همان). موازین حسن نیت در این‌جا اقتضا دارد قبل از این‌که تدلیس‌شونده در جهت انعقاد قرارداد اقدامی انجام دهد، مدکس وضعیت صحیح و حقیقی را به اطلاع وی برساند.

اکراه

اکراه به معنای خشونت یا تهدید به خشونت علیه طرف قرارداد یا فردی از خانواده او یا تهدید به حبس غیرقانونی است که برخی حقوق‌دانان انگلستان آن را در شمار راهکارهای تدریجی موردنظر لرد بینگهام آورده‌اند.

عقد اکراهی همانند اشتباه به واسطه فقدان رضای معتبر قابل ابطال است (لیختن اشتاین، ۱۹۹۴، ص ۲۰۶) و این ضمانت اجرا را نمی‌توان ناشی از حسن نیت دانست. ارتباط اکراه و حسن نیت را تنها می‌توان چنین توجیه کرد که اگر اکراه از سوی طرف معامله صورت گیرد، حاکی از سوء نیت وی در انعقاد قرارداد است. به بیان دیگر، در این فرض، وی حسن نیت و رفتار منصفانه را رعایت نکرده است.

اهلیت

در حقوق انگلیس، هرگاه قراردادی توسط مجنون، مست یا صغیر منعقد شود، قابل ابطال است. البته درباره مجانین و اشخاص مست، ابطال قرارداد به اطلاع طرف قرارداد از حجر ایشان بستگی دارد. به عبارت دیگر، کسی که با ادعای جنون از خود دفاع می‌کند، باید دو نکته را اثبات کند: اول این‌که در زمان انعقاد قرارداد مجنون بوده و قادر به فهم اهمیت معامله نبوده است؛ دوم این‌که طرف مقابل به وضعیت وی آگاهی داشته است (تریتل، ۲۰۰۳، ص ۲۳۶). بنابراین، هرگاه طرف قرارداد با جهل به این مراتب، قرارداد منعقد کند، ابطال معامله را نمی‌توان بر وی تحمیل کرد و این حکم در جهت حسن نیت و اعتماد وی به ظاهر بوده است؛ چرا که اقتضای منطق به طور مطلق، بطلان آن قرارداد است.

پذیرش حسن نیت در انعقاد قرارداد در انصاف

انصاف به عنوان یکی از جانشینان حسن نیت، در حقوق انگلیس به ویژه حقوق بازرگانی آن کشور نقش مهمی ایفا کرده است. یکی از مؤلفین حقوقی در این باره می‌نویسد: «در حقوق قراردادها، انصاف در مقابل رفتارهای خلاف وجدان و نامعقول ایستاده است و بسیاری از راهکارهای تدریجی که حقوق در ترویج حسن نیت در نظر دارد، انصافی هستند. حق ابطال قرارداد ناشی از تدلیس و مفهوم اعمال نفوذ ناروا از آن جمله‌اند که با عدم تجویز فسخ یک-طرفه از رفتار خلاف وجدان جلوگیری می‌کنند» (برادگیت، ۲۰۰۰، ص ۲۷).

دادگاه‌های انصاف برای برخورد با معاملات غیرمنصفانه و مخالف با حسن نیت، بسیاری از قراردادهای منعقد شده را کنار نهاده یا تعدیل کرده‌اند. از جمله این عقود، قراردادهای واگذاری ارث آینده بود که به موجب آن، ورثه احتمالی، ارث آینده خود را در مقابل مبلغی ناچیز که به صورت نقد دریافت می‌شد، واگذار می‌کردند (شیروی، ۱۳۸۰، ص ۸). در دعوی ارل علیه موزچمپ، دادگاه انصاف، قرارداد با وارث آینده‌ای را که در شرایط نامطلوب قرار داشت، خلاف انصاف تشخیص داد و با حمایت از این وارث، در قرارداد منعقد شده دخالت کرد. البته مداخله محاکم در این قراردادها دو نتیجه در پی داشت:

اول - دادگاه‌ها به محض مواجهه با قراردادهای واگذاری ارث، آن‌ها را کنار می‌گذاشتند یا تعدیل می‌کردند، هرچند شروط قراردادی چنان گزاف نبود که مستلزم دخالت دادگاه باشد.

دوم - دادگاه‌ها نسبت به تعمیم این نظریه به دیگر قراردادهای اکراه داشتند و آن را استثنا قلمداد می‌کردند. نتایج اخیر موجب ایجاد وضعیتی متزلزل و نابسامان شد و قانون‌گذار را بر آن داشت تا با وضع قوانینی خاص به این موقعیت سامان بخشد (همان).

از دیگر قراردادهایی که دادگاه‌ها به استناد غیرمنصفانه بودن در آن‌ها دخالت کردند، قراردادهایی بود که در آن، یک طرف از وضعیت خاص طرف دیگر چون فقر، بی‌سوادی و کم-هوشی سوء استفاده می‌کرد و از این راه منتفع می‌شد. استدلال عمده این دسته از محاکم این بود که زیان‌دیده، آزادانه عمل نکرده و وضعیت برابری نسبت به دیگری نداشته است (دعوی Evans v. Liewelln (همان، ص ۹).

در دعوی فری علیه لین، دادگاه یک قرارداد بیع را که ثمن آن بسیار پایین‌تر از ثمن واقعی بود، کنار گذاشت؛ زیرا فروشندگان دو شخص فقیر و بی‌سواد بودند و از مشاوره حقوقی نیز استفاده نکرده بودند. بنابراین، اجرای چنین قراردادی، مغایر با حسن نیت و انصاف تلقی شد.

پذیرش حسن نیت در انعقاد قرارداد در مقررات موضوعه

– قانون شروط قراردادی غیرمنصفانه مصوب ۱۹۷۷

این قانون در شمار قوانینی است که به دادگاه‌ها صلاحیت می‌دهد تا در قراردادهای دارای شروط غیرمنصفانه و مخالف با حسن نیت مداخله کنند. پیش از تصویب این قانون، قضات محاکم انگلستان تلاش می‌کردند تا از اعمال شروط معافیت که غالباً مصرف‌کنندگان را از همه حقوقشان محروم می‌کرد، از طریق تفسیر مضیق شروط مذکور و طرح نظریه اساسی جلوگیری کنند.

قانون شروط قراردادی غیرمنصفانه مصوب ۱۹۷۷ صرفاً درصدد برخورد با شروط محدودکننده مسئولیت در قراردادهای مصرف‌کننده است. به عنوان مثال، به موجب بخش (۱) این قانون، عرضه‌کننده کالا نمی‌تواند با شرط در قرارداد یا اخطاریه اعلام شده به عموم افراد یا شخصی خاص، مسئولیت خود را در قبال مرگ یا جراحت ناشی از مسامحه مستثنا یا محدود کند. به موجب بخش (۲) (۲)، نسبت به دیگر خسارات شرط محدودکننده، مسئولیت یا اعلامیه در صورتی قابل اجراست که متعارف و عقلایی باشد. معیارها و ضوابط متعارف و عقلایی بودن در جدول ضمیمه شماره ۲ این قانون بیان شده است.

– دستورالعمل جامعه اروپا

این دستورالعمل که در پنجم آوریل ۱۹۹۳ درباره شروط غیرمنصفانه در قراردادهای مصرف‌کننده تدوین شد، از همه کشورهای عضو از جمله انگلستان تقاضا کرد تا قوانینی را در این زمینه تصویب کنند.

گفتنی است این دستورالعمل همه شروط غیرعادلانه و مخالف با حسن نیت قراردادی را دربرمی‌گیرد. ماده ۳ دستورالعمل در تشخیص غیرمنصفانه بودن شروط مندرج در قرارداد، ضوابطی را به شرح ذیل مقرر می‌دارد:

الف) شرط مورد نظر به طور مشخص مورد توافق قرار نگرفته باشد. به عبارت دیگر، این شرط از قبل، از سوی عرضه‌کننده یا فروشنده، تهیه و به مصرف‌کننده ارائه شده است و مصرف‌کننده نمی‌توانسته در آن شرط تغییری بدهد؛

ب) نابرابری فاحش و جدی بین حقوق و تعهدات قراردادی طرفین به وجود آمده باشد؛

ج) نابرابری و عدم تعادل به زیان مصرف‌کننده باشد؛

د) شرط مزبور خلاف اقتضای حسن نیت باشد. بدیهی است اگر شرطی خلاف حسن نیت و به صورتی غیرمنصفانه در قرارداد درج شود، دستورالعمل آن را غیرقابل اجرا اعلام می‌کند.

– مقررات شروط غیرمنصفانه در قراردادهای مصرف‌کننده

در پی درخواست دستورالعمل شورای اتحادیه اروپا، انگلستان در سال ۱۹۹۴ مقررات شروط غیرمنصفانه در قراردادهای مصرف‌کننده را به تصویب رساند (البته جهت مطابقت بیش‌تر با دستورالعمل، این مقررات در سال ۱۹۹۹ تجدید نظر شد). این مقررات که با هدف تعدیل و تحدید شروط غیرمنصفانه در قراردادهای مصرف‌کننده تنظیم شده است، شروطی را دربرمی‌گیرد که با حسن نیت در معاملات منافات داشته باشد و باعث ایجاد عدم تعادل جدی بین حقوق و تعهدات طرفین شود.

البته باید دانست این مقررات صرفاً ناظر به شروطی است که در قراردادهای استاندارد بوده و مورد مذاکره طرفین قرار نگرفته باشد. بنابراین، اگر شروط قراردادی مورد مذاکره قرار گرفته یا قبلاً تنظیم شده باشد، ولی مصرف‌کننده توان تغییر آن‌ها را داشته است، از شمول مقررات، خارج خواهد بود.

در تشخیص رعایت حسن نیت نیز بایستی به سه نکته توجه شود: قدرت معاملی طرفین معامله در زمان انعقاد قرارداد، وجود انگیزه خاص مصرف‌کننده در انعقاد قرارداد حاوی شروط غیرمنصفانه و ارائه کالاها و خدمات موضوع قرارداد در قبال سفارش خاص مصرف‌کننده.

حسن نیت در انعقاد قرارداد در حقوق ایران

در حقوق ایران نیز مانند حقوق انگلستان، حسن نیت به عنوان یک قاعده کلی که طرفین را به رعایت صداقت و اخلاص در معامله ملزم کند، پذیرفته نشده است. از این رو، نمی‌توان رفتار طرفین قراردادی را بر اساس اصل حسن نیت سنجید و ارزیابی کرد. چنین وضعیتی ناشی از غرابت این مفهوم و سابقه نداشتن آن در فقه امامیه به عنوان منبع عمده حقوق موضوعه ایران است. بنابراین، باید گفت همان‌طور که در حقوق انگلیس با وجود مباحث فراوان تاکنون قاعده حسن نیت پذیرفته نشده است، در حقوق قراردادهای ایران نیز چنین اصلی نمی‌تواند به عنوان یکی از قواعد اساسی و بنیادین – آن‌گونه که در حقوق نوشته جریان دارد – به شمار رود. با این‌که اصل حسن نیت به عنوان یک قاعده کلی در فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران وجود ندارد، از

برخی آیات، روایات و مواد قانونی، لزوم رعایت صداقت و اجتناب از خدعه در روابط معاملاتی استنباط می‌شود که در ذیل به این موارد اشاره می‌کنیم:

- قرآن کریم

آیاتی در قرآن کریم وجود دارد که بر رعایت حسن نیت و انصاف در معاملات، پافشاری و مسلمانان را بدان تشویق می‌کنند. اکنون به ذکر این آیات می‌پردازیم:

خداوند در آیات ۸ و ۹ سوره الرحمن می‌فرماید: «الّا تطغوا فی المیزان.واقیموا الوزن بالقسط ولا تخسروا المیزان؛ ای بندگان! هرگز در میزان عدل تعدی نکنید و هرچیز را به ترازوی عدل و انصاف بسنجید و در میزان، کم‌فروشی و نادرستی نکنید». این آیات، رعایت تعادل را بین عوضین در معامله لازم می‌شمرند. به عبارتی، بایع بایستی از مقدار مبیع یا آنچه باید به طرف مقابل تسلیم کند، نگاهد و در سنجش و پیمانه کردن، دقت و احتیاط کند تا از حق دیگری در مال وی داخل نشود.

در آیه ۲۹ سوره نساء آمده است: «یاایها الذین آمنوا لا تاکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجاره عن تراض منکم و...» که دلالت دارد تصرف افراد در اموال دیگران به ناحق و به صورت غیرشرعی، جایز نیست؛ اما اگر تصرف به صورت تجارت مبتنی بر تراضی طرفین باشد، جواز شرع را به همراه دارد. مسلماً تصرف در مال دیگری بدون دادن عوض یا در مقابل عوض ناقص، از مصادیق اکل مال به باطل است (طباطبایی، ۳۱۷، ص ۱۵) که با حسن نیت در قرارداد منافات دارد.

آیه ۲۷۵ سوره بقره در مورد رباخواران و ویژگی‌های آن‌ها بیان می‌دارد: «الذین یاکلون الربوا لایقومون الا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان من المس ذلک بانهم قالوا انما البیع مثل الربوا و احل الله البیع و حرم الربوا فمن جا موعظه من ربه فانتهی فله ما سلف و امره الی الله و من عاد فاولئک اصحاب النار هم فیها خالدون؛ کسانی که ربا می‌خورند، بر نمی‌خیزند جز مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر مس خود، او را به خبط و می‌دارد. این بدان جهت است که رباخواران می‌گفتند: بیع همانند رباست. در صورتی که خداوند بیع را حلال و ربا را حرام کرده است. پس هرکس که از جانب پروردگارش به وی پند و اندرز رسیده و به ربا خواری پایان داده است، گذشته به نفع اوست و کارش با خداست و کسانی که دوباره به ربا خواری بازگردند، از دوزخیان هستند و پیوسته در آتش خواهند ماند».

همان‌گونه که در تعریف ربای در معامله آمده است، بیع یا معاوضه جنس مکمل یا موزون با

هم‌جنس خود همراه با اختلاف عوضین از نظر کیل یا وزن یا با تساوی آن‌ها از جهت کیل و وزن و اضافه حکمی یکی از آن‌ها، ربای معاملی است (نجفی، ۱۳۶۷، ص ۳۳۴؛ موسوی خمینی، بی تا، ص ۴۹۳ و گرجی، ۱۳۸۰، ص ۲۵). در ربای مزبور، رباخوار متاعی را می‌دهد و همان متاع را می‌ستاند، در حالی که هنگام استرداد با اضافه در کیل یا وزن و احیاناً یا اضافه حکمی می‌گیرد که این حرکت ناموزون و نامتعادل خلاف انصاف و حسن نیت در قرارداد است. این آیه به سببیت رباخواری در ایجاد عدم توازن و تعادل در رفتار و شخصیت وجودی رباخواران و ایجاد عدم تعادل در جامعه بر اثر عمل آنان اشاره دارد و به این ترتیب، با بیانی پرمعنا بر لزوم رعایت عدالت در معامله تأکید می‌کند (جمعی از نویسندگان، بی تا، صص ۳۵۶-۳۵۵).

در سوره مطففین آمده است: «ویل للمطففین الذین اذا اکتالوا علی الناس یتستوفون و اذا کالوهم او وزنوهم یخسرون؛ وای به حال کم‌فروشان! آنان که چون به کیل، چیزی از مردم بستانند، تمام ستانند و چون چیزی بدهند، در کیل و وزن به مردم کم دهند». در این آیه نهی از کم‌فروشی به صورتی زیبا بیان شده است و عذاب سخت به کم‌فروشان وعده داده شده است. آیات مذکور بر حرام بودن عوض ناقص یا کم‌تر در معامله دلالت دارند. این مضمون در آیه ۸۵ سوره هود نیز بیان شده است؛ آن جا که خداوند می‌فرماید: «و یا قوم اوفوا المکیال و المیزان بالقسط ولا تبخسوا الناس اشیا هم و لا تعثوا فی الارض مفسدین؛ ای قوم! به قسط و عدل، کیل و وزن را با کمال دقت انجام دهید و چیزهای مردم را کم ندهید و روی زمین فساد به پا نکنید». آیه ۲۸۲ سوره بقره درباره دین مؤجل و تشریفات آن، رعایت حسن نیت و انصاف را لازم می‌شمارد؛ از جمله این که کاتب باید به عدل و داد بنویسد؛ مدیون در موقع دیکته چیزی را از حق کم نکند و اگر بدهکار، سفیه یا ضعیف است، ولی او باید به عدل املا کند.

- روایات

ادله فراوانی از روایات وجود دارد که بر ضرورت رعایت حسن نیت و صداقت در قرارداد تصریح می‌کند. در روایت است که «نهی النبی عن تلقی الرکبان ونهی عن النجش» (غزالی، بی تا، صص ۲۳۱-۲۱۲). «تلقی رکبان» آن است که اشخاصی به استقبال کاروان مال‌التجاره بروند و مال‌التجاره را به کم‌تر از نرخ رایج شهر بخرند. در این صورت، فروشنده پس از ورود به شهر و اطلاع از قیمت واقعی کالا می‌تواند معامله را فسخ کند. «نجش» آن است که کسی نزد خریداران، قیمتی بیش از قیمت واقعی کالا را پیشنهاد کند، اما خود، قصد خرید نداشته باشد و

با این عمل، خریداران را به خرید کالا ترغیب کند. این عمل اگر بدون تبانی با فروشنده باشد، حرام ولی در معامله بی تاثیر است و هرگاه در تبانی با فروشنده باشد علاوه بر حرمت، در ثبوت خیار برای خریدار اختلاف است (همان).

تلقی رکنان و نجش به شرحی که آمد، از اعمالی هستند که با حسن نیت و رفتار منصفانه در قرارداد مغایرند و به همین دلیل، پیامبر اسلام، مسلمانان را از این اقدامات نهی کرده است.

مصادیق پذیرش حسن نیت در انعقاد قرارداد در حقوق موضوعه

- قانون تجارت الکترونیکی

قانون‌گذار در قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲ که قانون خاصی است، به حسن نیت اشاره کرده است. به موجب ماده ۳، در تفسیر مقررات قانون مزبور باید به رعایت لزوم حسن نیت توجه شود؛ چنان‌که ملاحظه می‌شود ماده مزبور تنها به رعایت حسن نیت در تفسیر قانون اشاره کرده است، نه در معاملات. اما در ماده ۳۵ مقرر شده است: «اطلاعات اعلامی و تأییدیه اطلاعات به مصرف‌کننده باید در واسطی بادوام، روشن و صریح بوده و در زمان مناسب و با وسایل مناسب ارتباطی در مدت معین و بر اساس لزوم حسن نیت در معاملات و از جمله ضرورت رعایت افراد ناتوان و کودکان ارائه شود». گرچه ماده مزبور به طور صریح به لزوم رعایت حسن نیت در مرحله انعقاد اشاره نکرده است، به نظر می‌رسد این امر با توجه به اطلاق ماده قابل استفاده است.

- اکراه

هرگاه کسی بر اثر تهدید و جبر، به معامله‌ای ناخواسته وادار شود، اکراه محقق گردیده است. نتیجه تهدید، از بین رفتن آزادی اکراه‌شونده در تصمیم‌گیری و معلول گردیدن اراده وی است. پس، در اکراه دو عامل عمده وجود دارد:

۱. اقدام نامشروعی که وسیله اجبار می‌شود؛

۲. ترسی که در نتیجه تهدید در ضمیر مکره رخنه می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ص ۴۹۴).

از میان این ارکان دوگانه، عنصر نخست اگر از سوی طرف معامله انجام شود، مصداقی بارز از عدم رعایت حسن نیت و رفتار نیکو در قرارداد است و دومین رکن، با حسن نیت و ضعف مکره ملازم است. موضع قانون‌گذار مبنی بر عدم نفوذ قرارداد اکراهی (ماده ۲۰۳ قانون مدنی) حاکی از لزوم رعایت حسن نیت و رفتار صادقانه متعاقدين است.

– سوء استفاده از اضطرار

با توجه به این که اضطرار فی نفسه از عیوب رضا نیست و مفهومی جدا از اکراه به شمار می‌رود، این پرسش مطرح می‌شود که آیا سوء استفاده از اضطرار شخص بر نفوذ قرارداد منعقدۀ تأثیری دارد یا خیر؟

ممکن است پاسخ داده شود که چون در این فرض، تهدیدی در اجبار طرف به معامله صورت نگرفته است، فشار ناشی از اضطرار از اعتبار عقد نمی‌کاهد و قرارداد منعقدۀ صحیح است. با این حال، به نظر می‌رسد اگر طرف قرارداد یا شخص خارجی موقعیت مضطر را وسیله وارد ساختن فشار بر او قرار دهد، باید معامله مزبور را غیرنافذ دانست. برخی مؤلفین حقوقی در این باره می‌نویسند: «اگر شخصی از وضع خطرناکی که در مانده‌ای دارد، استفاده نامشروع کند و با تهدید به خودداری از کاری که برای درمانده جنبه حیاتی دارد، او را به بر عهده گرفتن التزامی سنگین وادار نماید، حقوق نمی‌تواند این کار ناپسند را نادیده گرفته و به بهانه این که اکراه کننده در ایجاد آن وضع دخالت نداشته است، معامله را ناشی از اضطرار و معتبر بداند». ماده ۱۷۹ قانون دریایی ایران مؤید این نظر است و مقرر می‌دارد: «هر قرارداد کمک و نجات که در حین خطر و تحت تأثیر آن منعقد شده و شرایط آن، به تشخیص دادگاه غیر عادلانه باشد، ممکن است به تقاضای هر یک از طرفین به وسیله دادگاه، باطل یا تغییر داده شود...». ماده مزبور ضمانت اجرای سوء استفاده از اضطرار را تغییر قرارداد یا ابطال به وسیله دادگاه می‌داند که گرچه حکمی خاص تلقی می‌شود، آن را به موارد مشابه می‌توان تسری داد.

– اختیارات

به جز در برخی از اختیارات مثل خیار مجلس، حیوان و شرط، دیگر اختیارات را می‌توان مرتبط و هم‌سو با حسن نیت در قرارداد دانست. به عنوان مثال، خیار تدلیس با توجه به ماده ۴۳۸ که مقرر می‌دارد: «تدلیس عبارت است از: عملیاتی که موجب فریب طرف معامله شود»؛ زمانی ایجاد می‌شود که علاوه بر سوء نیت و تقلب مدلس، غرور و حسن نیت فریب‌خورده محقق شده باشد. پس در خیار تدلیس، دو عنصر متضاد سوء نیت و حسن نیت را در باطن هر یک از متعاملین می‌بینیم؛ به این ترتیب که تدلیس‌کننده با قلب واقعیت و سوء استفاده از جهل طرف مقابل به واقع، در صدد تعقیب منافع خویش است. در اختیارات غبن، عیب، رؤیت و تبعض صفقه نیز به این جهت که شخص زیان‌دیده تنها در صورت جهل به واقع، حق استفاده از مزایای قانونی را دارد، تأثیر حسن نیت قابل ملاحظه می‌باشد.

به عنوان مثال، در تحقق خیار رؤیت بایستی خریدار مورد معامله را ندیده باشد و به صداقت فروشنده در تعیین اوصاف اعتماد کند یا در خیار عیب و غبن، زیان‌دیده به عیب یا ارزش واقعی، جاهل بوده باشد. در غیر این صورت، خیار فسخ نخواهد داشت. در خیار تبعض صفقه نیز طبق ماده ۴۴۳ قانون مدنی وقتی خیار ثابت است که مشتری در حین معامله، عالم به آن نباشد. چنان‌که ملاحظه می‌شود، همه خیارات یادشده در جهت حمایت از شخص ناآگاه و با حسن نیت است که با اعتماد به طرف و رفتار منصفانه وی، معامله منعقد می‌کند.

– معامله فضولی

هرگاه معامله‌ای بدون اذن مالک و به طریق فضولی منعقد شود، مالک حق ابطال آن را در هر حال دارد و در این جا هیچ امری اعم از علم و جهل اصیل، نقشی ندارد. به عبارت دیگر، اصل حسن نیت به لحاظ احترام به اصل مالکیت در فرض مزبور، محلی از اعراب ندارد. با این حال، پس از جبران خسارت مالک و در قابلیت رجوع به فضولی است که اصل حسن نیت اثر خود را هویدا می‌سازد؛ به این ترتیب که اصیل در صورت جهل به فضولی بودن معامله حق دارد که برای گرفتن ثمن و کلیه غرامات به بایع فضولی رجوع کند و در صورت عالم بودن فقط حق رجوع برای گرفتن ثمن را خواهد داشت (ماده ۲۶۳ قانون مدنی).

– عقد بیمه

عقد بیمه از عقود است که حسن نیت در آن نقشی اساسی دارد. در واقع، برخی از مواد قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ بر اساس حسن نیت تدوین شده‌اند که از آن جمله می‌توان به مواد ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ اشاره کرد. ماده ۱۰ مقرر می‌دارد: «در صورتی که مال به کم‌تر از قیمت واقعی، بیمه شده باشد، بیمه‌گر فقط به تناسب مبلغی که بیمه کرده است با قیمت واقعی مال، مسؤول خسارت خواهد بود». ماده ۱۱ نیز مقرر می‌دارد: «چنانچه بیمه‌گذار یا نماینده او با قصد تقلب، مالی را اضافه بر قیمت عادلانه در موقع عقد قرارداد بیمه داده باشد، عقد بیمه، باطل و حق بیمه دریافتی قابل استرداد نیست». به موجب ماده ۱۲: «هرگاه بیمه‌گذار عمداً از اظهار مطالبی خودداری کند یا عمداً اظهارات کاذبه بنماید و مطالب اظهارنشده یا اظهارات کاذبه طوری باشد که موضوع خطر را تغییر داده یا از اهمیت آن در نزد بیمه‌گر بکاهد، عقد بیمه، باطل خواهد بود، حتی اگر مراتب مذکوره تأثیری بر وقوع حادثه نداشته باشد...».

نمود عینی‌تر حسن نیت را در ماده ۱۳ می‌توان ملاحظه کرد. به موجب ماده مزبور: «اگر

خودداری از اظهار مطالبی یا اظهارات خلاف واقع از روی عمد نباشد، عقد بیمه باطل نمی‌شود...» به عبارت دیگر، هرگاه بیمه‌گذار با حسن نیت در قرارداد بیمه وارد شده باشد و ناآگاهانه و به سهو در ارائه اطلاعات قصور ورزد، مورد حمایت قانون‌گذار قرار می‌گیرد.

با توجه به موارد مذکور، بیمه‌گذار در مرحله انعقاد قرارداد بیمه می‌بایست با حسن نیت رفتار کند، هر آنچه را برای خود می‌پسندد، برای دیگری نیز که همانا بیمه‌گر باشد، پسندد.

- وکالت

به موجب ماده ۶۸۰ قانون مدنی، تمام اموری که وکیل قبل از رسیدن خبر عزل به او در حدود وکالت خود کند، نسبت به موکل، نافذ است. با توجه به عموم ماده مزبور، این حکم اعم از تصرفات مادی و حقوقی است که وکیل در حدود وکالت خود می‌کند. بنابراین، معاملاتی که وکیل در حدود وکالت خود نسبت به مال موکل انجام دهد، نافذ شناخته می‌شود. البته این حکم مطابق نظر مشهور فقیهان است (شهید ثانی، بی تا، ج ۴، ص ۷۳). نظر دیگر این است که وکیل با عزل موکل منعزل می‌شود، خواه از عزل خود مطلع شود یا مطلع نشود (حسینی عاملی، ۱۴۱۸ق، ص ۶۱۶).

- عقد نکاح

به موجب ماده ۱۲۶۶ قانون مدنی: «هر گاه به واسطه وجود مانعی، نکاح بین ابویین طفل، باطل باشد، نسبت به هر یک از ابویین که جاهل به وجود مانع بوده، مشروع و نسبت به دیگری، نامشروع خواهد بود. در صورت جهل هر دو، نسبت طفل به هر دو، مشروع است». چنان‌که ملاحظه می‌شود، قانون‌گذار در نتیجه حسن نیت یکی از طرفین یا هر دو طرف، برخی آثار نکاح صحیح را بر این رابطه حقیقتاً نامشروع مترتب ساخته است.

نتیجه

در حقوق انگلیس، حسن نیت به عنوان یک قاعده کلی حاکم بر همه قراردادهای منعقد، پذیرفته نشده، هر چند در موارد خاصی، حسن نیت در مرحله انعقاد قرارداد مورد پذیرش قرار گرفته است. در کامن لا می‌توان به مواردی چون لزوم اعلام رجوع از ایجاب به مخاطب آن، معتبر تلقی شدن قبول در صورت جهل مخاطب ایجاب از موگ موجب، بی تأثیر بودن اشتباه در صورت جهل طرف قرارداد از اشتباه طرف دیگر و صحت معامله با شخص فاقد اهلیت در

صورت جهل طرف قرارداد به عدم اهلیت او اشاره کرد. در قواعد انصاف می‌توان به ابطال قراردادهای واگذاری ارث و در مقررات موضوعه می‌توان به قانون شروط قراردادی غیرمنصفانه مصوب ۱۹۷۷، دستورالعمل جامعه اروپا مصوب ۱۹۹۳ و مقررات شروط غیرمنصفانه در قراردادهای مصرف‌کننده مصوب ۱۹۹۴ اشاره کرد.

در حقوق ایران، مانند حقوق انگلیس، حسن نیت به عنوان یک قاعده کلی که افراد را به رفتار منصفانه در انعقاد قرارداد ملزم کند، وجود ندارد. با این حال، رد پای پذیرش اصل مزبور را در انعقاد قرارداد می‌توان در غیر نافذ بودن عقد اکراهی، غیر نافذ بودن قرارداد منعقدۀ در نتیجه سوء استفاده از اضطرار، قابل فسخ بودن معامله در صورت تدلیس، معیوب بودن کالا و مغبون شدن طرف معامله، جواز مراجعه به بایع برای گرفتن غرامت‌ها در صورت جهل اصیل به فضولی بودن معامله، مواد ۱۰ تا ۱۳ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶، صحیح بودن معاملات منعقدۀ از سوی وکیل بعد از عزل و قبل از اطلاع از آن و مترتب ساختن برخی آثار نکاح صحیح در صورت جهل یکی از طرفین به بطلان نکاح اشاره کرد. از طرفی، از ماده ۳ قانون تجارت الکترونیکی که به رعایت لزوم حسن نیت در تفسیر قانون مزبور اشاره دارد و همچنین از ماده ۳۵ قانون مزبور که ارائه اطلاعات اعلامی و تأییدیه اطلاعات به مصرف‌کننده را بر اساس لزوم حسن نیت در معاملات الزامی دانسته است، لزوم رعایت حسن نیت در انعقاد قرارداد، قابل استفاده است.

منابع و مأخذ:

- ۱- حسینی عاملی، سید محمد جواد (۱۴۱۸ ق.)، "مفتاح الكرامه"، ج ۷، بیروت، دار التراث.
- ۲- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۲)، "حقوق تعهدات"، چاپ سوم، تهران، دانشگاه تهران.
- ۳- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۷)، "ترمینولوژی حقوق"، چاپ نهم، تهران، کتابخانه گنج دانش.
- ۴- جمعی از نویسندگان زیر نظر مکارم شیرازی ناصر (بی تا)، "تفسیر نمونه"، ج ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۵- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، "لغت نامه"، چاپ اول، ج ۶، تهران، دانشگاه تهران.
- ۶- شیروی، عبدالحسین (۱۳۸۰)، "نظریه غیرمنصفانه و خلاف وجدان بودن شروط قراردادی در حقوق کامن لو"، مجله مجتمع آموزش عالی قم، شماره ۱۴.
- ۷- شهید ثانی (بی تا)، "شرح لمعه"، ج ۴، بیروت، دار العالم الاسلامی.
- ۸- صالحی راد، محمد (۱۳۷۸)، "حسن نیت در اجرای قراردادها"، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۶.
- ۹- غزالی، ابوحامد محمد (بی تا)، "احیاء علوم الدین"، ترجمه مؤید الدین خوارزمشاهی، انتشار بنیاد فرهنگ ایران، کتاب سوم.
- ۱۰- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰)، "قواعد عمومی قراردادها"، چاپ پنجم، ج ۱ و ۲، تهران، شرکت انتشار.
- ۱۱- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۰)، "آیات الاحکام"، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- ۱۲- موسوی خمینی، سیدروح الله (بی تا)، "تحریر الوسیله"، ج ۱، قم، اسماعیلیان.
- ۱۳- نجفی، محمد حسن (۱۳۶۷)، "جوهر الکلام"، ج ۲۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- 14 - Black Henry (1968), "Law Dictionary", 4th ed., West Publishing Co.
- 15 - Bridge M.G. (1984), "Does Anglo-Canadian Contract Law Need a Doctrine of Good Faith?", Canadian Business Law Journal, no. 9.
- 16 - Brownsorth Roger & Howells Gaint (1999), "Good Faith in Contract", 5th ed., London, Ashgate Publishing Co.
- 17 - Burton Stiven (1980-81), "Breach of Contract and the Common Law Duty to

Perform in Good Faith ", Harvard Law Review, no. 98.

18 - Cheshire and Fifoot (1991), " *Law of Contract* ", 12th ed., London,

19 - Fransworth Allen, the eason westmann colloquim on international and comparative Law : Duties of Good Faith and Fair Dealing under the Unidroit Principles, Relevant International Conventions, and National Laws, 3TUL.J.Intl & Comp.

20 - Farnsworth Allen " *Good Faith Performance and Commercial Reasonableness under the Uniform Commercial Code* ", university of Chicago Law Review, no. 30.

21 - Honnold John (1991) " *uniform law for international sale under the 1980 United Nation convention* " 2nd ed. Boston, Kluwer.

22 - Lichtenstein E.A. (1994), " *contract law* ", 16th ed., HLT publications.

23- Musy Alberto (2000), " *the good faith Principle in Contract Law and the Pre - contractual Duty to Disclose* ", www.icer.it/docs/wp2000/ musy192000.pdf.

24 -Padfield Colin (2001), " *Law Made Simple* ", 9th ed, Tehran, Majd Publication.

25 - Powell Raffael (1956), " *Good Faith in Contracts* ", 9 Current Legal Problems.

26 - Powers Paul, " *Defining the Undefinable: Good Faith and the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods* ", Online on www.cisg.law.Pace.edu/.

27 - Schwarzenberger and E.D Brow (1976), " *A Manual of International Law* ", 6th ed, Milton Professional Books Ltd.

28 - Treitel G. (2003), " *the Law of Contract* ", 3rd ed. London, Sweet &Maxwell.

29 - Willett Chris (1996), " *Aspects of Fairness in Contract* ", London, Blackstone.

30 - Zimmermann Reinhard (2003), " *Good Faith in European Contract Law* ", 3rd ed., Cambridge Press.

